

تعامل تاریخی پیروان ادیان و بررسی عوامل موثر بر آن

سیدحسین فلاح زاده*

چکیده

این مقاله می‌کوشد به این پرسش اصلی پاسخ دهد که عوامل موثر بر تعامل پیروان ادیان چیست. از نظر مولف، قدرت‌ها و حاکمیت‌های سیاسی و نوع سیاست‌های مذهبی آن‌ها، گفتمان‌های غالب فرهنگی، اصول اعتقادی اساسی آیین یا مذهب، نوع اندیشه و منش رهروان و روحانیون مذهبی و نوع قرائت و تفسیر مذهبی آن‌ها و سرانجام تعصب‌های قومی و نژادی پیروان ادیان از مهم‌ترین عوامل موثر بر تعامل پیروان ادیان است؛ اما در صفحات نخستین مقاله و قبل از پرداختن به این پرسش و پاسخ، سیر اجمالی تعامل برخی پیروان ادیان همچون مسیحیان و زرتشتیان در دوره قبل از اسلام و همچنین چگونگی تعامل مشرکان و یهودیان حجاز با پیامبر ﷺ و متقابلاً سیره تعاملی رسول خدا ﷺ با آن‌ها به اجمال بررسی شده است.

واژگان کلیدی: تعامل، پیروان ادیان، قدرت‌های سیاسی، سیاست مذهبی، گفتمان‌های دینی و فرهنگی، سیره تعاملی.

* استادیار گروه تاریخ دانشگاه باقرالعلوم (ع)

به‌رغم وحدانیت حاکم بر پیام‌های اصلی همه پیامبران و تاییدهای که آن‌ها درباره پیامبران پیش از خود داشته و بشارت‌هایی که در مورد پیامبران بعد از خود ابراز می‌داشته‌اند، عواملی سبب شده است تا پیروان آنان نه تنها هم جهت و هم گرا نبوده، بلکه اختلاف‌های گسترده‌ای نیز با یک‌دیگر داشته باشند.

گذشته از تاثیر عوامل سیاسی، جغرافیایی و نژادی بر این جدایی، تحریف‌ها و اختلاف‌های شکل گرفته بین پیروان هر یک از پیامبران که به‌طور معمول در پس درگذشت آنان و هنگام فهم و تفسیر آیینشان صورت می‌گرفته است و به‌دنبال خود شکل‌گیری فرقی و مذاهب مختلف را همراه داشته می‌توان از علل اصلی این جدایی پیروان پیامبران و عدم یکپارچگی آنان به شمار آورد.

در صورتی که به این علل و عوامل، ظهور پیامبران دروغین و مدعیان رسالت را نیز بیضفاییم نماییم، مسأله شکل پیچیده‌تری به خود می‌گیرد.

با مروری کوتاه بر جوامع گوناگون انسانی در طول تاریخ می‌توان وجود طرفداران و پیروان متعدد و گوناگون پیامبران و ادیان مختلف را در همه مکان‌ها و زمان‌ها ملاحظه و مشاهده کرد. کمتر سرزمین و دوره تاریخی‌ای را می‌توان سراغ گرفت که نوعی وحدت و یکپارچگی آیینی و مذهبی داشته باشد. حتی اگر در یک دوره، آیین واحدی در منطقه‌ای حاکمیت یافته است، پیروان آن آیین به‌زودی به فرقه‌ها و نحله‌های گوناگونی تقسیم شده‌اند. بدین ترتیب می‌توان گفت که جوامع گوناگون انسانی در طول تاریخ به واسطه وجود این طرفداران ادیان و مذاهب و فرقه‌های مختلف، همواره صحنه ارتباط و تعامل بین پیروان ادیان بوده است. این تعامل را می‌توان در قالب ارتباط توده‌های مردم دیندار با یک‌دیگر، روابط و مناسبات دولت‌های دینی با هم، برخورد دولت‌های دینی با توده‌ها و مشابه آن در نظر گرفت؛ همان‌طور که دایره این تعامل شامل ادیان ادیان و مکاتب غیر الاهی نیز می‌شود.

پرسش‌ها

موضوع مقاله حاضر گزارش و وصف این تنوع پیروان پیامبران و ادیان در گذشته تاریخی نیست. همچنین ما در صدد بررسی علل شکل‌گیری و پیدایی این جریان‌های مذهبی گوناگون نیز نیستیم؛ بلکه آنچه را نخست و به اجمال پی می‌گیریم، چگونگی تعامل و

زیست پیروان ادیان گوناگون با یکدیگر در گذشته به ویژه قرون سوم تا هفتم میلادی است. پس از آن به اختصار به سیره تعاملی رسول خدا ﷺ خواهیم پرداخت. به دنبال آن می‌کشیم به این پرسش اساسی پاسخ دهیم که چه عواملی در شکل روابط و چگونگی تعامل پیروان ادیان و مذاهب مختلف با یکدیگر موثر بوده است. به عبارتی دیگر، نحوه تعامل پیروان ادیان مختلف با یکدیگر و همچنین فرقه‌های یک آیین با هم، تابع چه عواملی بوده است؟

در پاسخ به سوال نخست می‌توان گفت که تعامل پیروان ادیان در گذشته و حتی امروز، همواره یکسان نبوده و بسته به عواملی که بر آن اثر می‌گذاشته‌اند، متفاوت بوده است. این تعامل هر چند در دوره‌هایی از تاریخ، شکل آرام و مناسبی را به خود می‌گرفته، در دوره‌هایی دیگر صورت خشن و غیر مناسبی داشته است؛ به گونه‌ای که می‌توان یکی از معضلات جوامع بشری را عدم دستیابی به مدل مناسب تعامل بین پیروان ادیان به شمار آورد. این معضل همانند دیگر معضلات جوامع انسانی چون فقر، خشکسالی، جهالت و بی‌سوادی، استبداد، استعمار، نابرابری و غیره، پیامدهای بسیار ناگواری را برای انسان‌ها در طول تاریخ به همراه داشته است.

تاریخ بشری در بر دارنده نمونه‌های پر جسته‌ای از قتل عام‌هایی است که در تعصبات کورکورانه مذهبی و دینی ریشه داشته است. بر این اساس، مبالغه نیست اگر بگوییم که عدم دستیابی به مدل صحیح، عاقلانه و به دور از احساسات و عواطف تند تعامل بین طرفداران آیین‌ها و مذاهب و فرقه‌های مختلف در دوره‌های گوناگون، همواره یکی از عوامل مهم بروز خشونت‌ها و حتی جنگ‌های مذهبی تعصب‌آلود به شمار می‌آمده است.*

تعامل پیروان ادیان قبل از ظهور اسلام

همان‌گونه که گذشت، با وجود وحدانیت حاکم بر پیام‌های پیامبران الهی، عواملی سبب شد تا پیروان آن‌ها به حامیان مذاهب و فرقه‌های گوناگون تقسیم شوند و همواره در نوعی ستیز و کشمکش با یکدیگر به سر برند؛ ستیزی که به دنبال خود آثار ناگواری را در بر داشته است.

* نمونه بارز این تعصب را در زمان ما می‌توان در کشتار و مجروح کردن مسلمانان به دست یهودیان صهیونیست ملاحظه کرد. بین مسیحیان و حتی مسلمانان نیز می‌توان چنین جریاناتی را مشاهده کرد. اقدام‌های تند و تعصب‌آلود گروه‌هایی چون طالبان و نظایر آن‌ها در مناطقی مانند افغانستان و عراق از این نمونه است.

قرآن کریم یکی از منابع مهمی است که در مورد تعامل نادرست پیروان ادیان دیگر از جمله بت پرستان با پیامبران الهی سخن گفته است. برخوردهای خشن با حضرت نوح، ابراهیم، موسی و دیگر انبیای الهی به وسیله مخالفان آنها در بسیاری از آیات قرآن ذکر شده و مورد سرزنش خداوند قرار گرفته است (برای نمونه رک: بقره (۲): ۸۷ و ۲۵۸، آل عمران (۳): ۱۸۴).

افزون بر پیامبران، قرآن کریم از اعمال خشونت ضد مومنان و ایمان آورندگان به پیامبران به وسیله مخالفان آنها سخن گفته است. نمونه برجسته آن برخورد خصمانه رومیان با اصحاب کهف است که از پیروان حضرت مسیح بوده‌اند. نمونه دیگر، برخورد اصحاب اخدود در یمن با جمعی از مومنان و سوزاندن آنها در گودال آتش است (بروج (۸۵): ۸-۴؛ ابن هشام، ۱۹۸۵م: ج ۱، ص ۳۶-۳۴).

گذشته از آنچه در قرآن کریم نقل شده، موارد فراوان دیگری را می‌شناسیم که از وجود روابط نامناسب بین پیروان ادیان در قرون پیش از اسلام نشان دارد.

امپراتوری روم که قرون متمادی بر مناطق گسترده‌ای از اروپای امروزی و سرزمین‌های دیگر تسلط داشت، در سال‌هایی که هنوز آیین مسیحیت را نپذیرفته بود، همواره چه در قلمرو خویش و چه در سایر مناطق متصرفه، در ستیز دائم با پیروان سایر ادیان از جمله مسیحیان و زرتشتیان بود. برای نمونه در سال ۲۵۰ میلادی امپراتور دکیوس فرمانی صادر کرد که هر فرد از افراد رومی مکلف است در برابر تمثال امپراتور قربانی کند و از صاحب منصبان رسمی، گواهی انجام این وظیفه را به دست آورد و هر کس چنین تصدیقی در دست نداشته باشد، باید به قتل برسد. در اثر این فرمان، شکنجه و عقوبت نصارا به شدت جریان یافت و بسیاری از بزرگان ایشان کشته شدند که از جمله آنان اسقفان روم و انطاکیه بودند (ناس، ۱۳۷۳ش: ص ۶۳۳).

پیش از دکیوس نیز امپراتورانی چون مارکوس، سپتیمیوس، کاراکالا و ماکسیموس در سرکوبی مسیحیان، بسیار می‌کوشیدند (همان).

زمان امپراتور والریانوس نیز کشتار و توییح مسیحیان دوباره اعمال شد و اموال کلیسا به تصرف حکومت روم درآمد و بسیاری از روحانیان و کشیشان برجسته کشته شدند. این فشارها در عصر امپراتور دیوکلتیانوس در سال ۳۰۳ میلادی نیز دوباره از سر گرفته شد؛ اما

این واپسین اعمال فشار بر مسیحیان در خاک امپراتوری روم بود؛ زیرا پس از او قسطنطین در سال ۳۱۳ میلادی به سبب فرمانی، آزادی مذهبی را به تمام اتباع رومی اعم از مسیحی و غیر آن عطا کرد و سرانجام در سال ۳۸۳، مسیحیت کیش رسمی امپراتوری روم شد (همان).

پس از آن که این امپراتوری، آیین مسیحیت را پذیرفت و مسیحیان از شکنجه و آزارهایی یافتند، مقابله و ستیز با غیر مسیحیان در دستور کار امپراتوری قرار گرفت.

در طرف مقابل نیز ساسانیان زرتشتی، افزون بر تداوم جنگ‌های گسترده خود با رومیان، ستیز سختی را با مسیحیان در دستور کار خود قرار داده بودند. کشمکش متقابل رومیان مسیحی و ساسانیان زرتشتی با یک‌دیگر نه تنها در جبهه‌های نظامی و مرزهای دو کشور ادامه داشت، بلکه دایره آن اتباع دو سرزمین و همچنین اماکن مذهبی را هم در بر می‌گرفت؛ برای نمونه، زمانی که سپاه خسرو پرویز وارد قلمرو رومیان شد، به‌دنبال تسخیر دمشق، شهر مذهبی اورشلیم را تصرف کرد، و ضمن تخریب و پاره‌ای از کشتارها، از آن‌جا دار مقدس مسیحیان را به تیسفون فرستادند. متقابلاً هراکلیوس نیز چندی بعد پس از تسخیر ارمنستان و ورود به آذربایجان، آتشکده بزرگ و با اهمیت آذرگشنسب را ویران کرد (کریستن سن، ۱۳۴۵: ص ۶۶۸ و ۹). در آن روزگار، تعامل درونی خود مسیحیان با یک‌دیگر که به فرقه‌هایی چون یعقوبی و نسطوری تقسیم شده بودند و همچنین تعامل درونی زرتشتیان با یک‌دیگر که آن‌ها نیز شاهد ظهور فرقه‌هایی مثل زروانیسم و غیره بودند نیز تعامل مناسبی نبوده است. بدین ترتیب، در حالی که دو دولت برجسته ساسانی و روم در جایگاه حامیان و طرفداران دو آیین برجسته آن روزگار یعنی زرتشتی و مسیحی همواره در جدال دائم و کشمکش و جنگ با یک‌دیگر به سر می‌بردند، در سرزمین مجاور آنان یعنی عربستان، آیین جدیدی پا به عرصه ظهور نهاد و پیروان آن به‌زودی به صحنه تعامل با پیروان دیگر ادیان گام نهادند. این در حالی بود که مسلمانان نیز درون خود به فرقه‌های گوناگونی تقسیم شدند و تعاملی را درون خود تجربه کردند.

تعامل پیروان دیگر آیین‌ها با مسلمانان پس از ظهور دین اسلام

دین مقدس اسلام در سرزمینی پا به عرصه ظهور نهاد که در آن آیین‌های گوناگونی حضور داشتند. درست است که شهر مکه روزگاری در گذشته به‌وسیله حضرت ابراهیم و بر اساس توحید بنیان‌گذاری شده بود، به تدریج آیین توحیدی ابراهیم فقط بین اقلیتی از مکیان و اهالی شبه جزیره باقی مانده بود که به‌طور معمول از آنان با عنوان حنفا یاد می‌شود.

حنفا بر خلاف توده مردم مشرک و بت پرست، از شرک و بت پرستی برکنار و به خدای یگانه و احیاناً به ثواب و عقاب و قیامت معتقد بودند (آیتی، ۱۳۶۶: ص ۱۳). هنگام ظهور اسلام، کنار حنفا در سرزمین عربستان، مشرکان بت پرست، ستاره پرستان، یهودیان، مسیحیان و دیگران نیز یافت می‌شدند.

دو کیش یهودی و مسیحی پیش از ظهور دین مبین اسلام در عربستان پیروانی داشته‌اند. در نواحی جنوبی عربستان، دین یهود تا آنجا پیش رفته بود که پادشاه یمن، ذونواس آن را پذیرفت و بسیاری از مسیحیان نجران از جمله عبدالله بن ثامر، پیشوای ایشان را به جرم عیسوی بودن کشت (همان: ص ۱۱).

بعد با آمدن سپاه حبشه به یمن، موقعیت مسیحیان بهبود یافت و برعکس، یهودیان آن‌جا در تنگنا قرار گرفتند. گذشته از اینان، قبایلی از یهودیان نیز که پیشتر به یثرب مهاجرت کرده بودند، هنگام هجرت پیامبر به آن شهر، آن‌جا حضور داشتند و با مسلمانان وارد تعامل شدند.

بت پرستان که بر اساس آیات قرآن کریم، به خداوند بزرگ (الله) در جایگاه آفریدگار اعتقاد داشتند، در امر تدبیر و پرورش برای او واسطه‌ها و شریک‌هایی قرار داده بودند و به همین سبب از آنان با عنوان مشرکان یاد شده که هم در مکه و هم در دیگر نقاط عربستان یافت می‌شدند.

تعامل این مشرکان با پیامبر اسلام و پیروان او بسیار تعصب آمیز و سختگیرانه بود. آنان خشن‌ترین رفتارها را در برابر رسول خدا و مسلمانان به کار می‌گرفتند (ابن هشام، همان: ج ۱، ص ۳۵۴-۳۶۴).

این رفتارهای خشن مشرکان در برابر رسول خدا و مسلمانان، در قالب شکنجه‌ها و آزارهای بدنی، محصور ساختن آنان در شعب ابی طالب، اتهام جنون به پیامبر و حتی تصمیم به قتل و ترور وی انجام گرفت. زمانی نیز که رسول خدا و مسلمانان ناچار به ترک مکه و هجرت به مدینه شدند، این فشارها به گونه‌ای دیگر ادامه یافت؛ اگر چه حمایت انصار از پیامبر به تدریج تلاش مشرکان قریش را در آزار مسلمانان ناکام گذاشت.

گذشته از مشرکان، تعامل یهودیان و مسیحیان و غیره نیز با پیامبر ﷺ و مسلمانان تعامل درستی نبوده است.

سیره تعاملی رسول خدا ﷺ با پیروان دیگر ادیان

بر خلاف آنچه در برخورد مشرکان و پیروان دیگر ادیان با پیامبر اسلام و حامیان ایشان وجود داشت، تعامل رسول خدا ﷺ با آن‌ها تعاملی کاملاً منطقی و اخلاقی و به دور از ستیز و خشونت بود. پیامبر اسلام همواره می‌کوشید در جایگاه آموزگار به آموزش و هدایت دیگران بپردازد و از طریق تعلیم و با منطق و استدلال آنان را به راه درست رهنمون کند. سیره رسول خدا در این زمینه بر آیات و دستوره‌های قرآن کریم مبتنی بود. این کتاب آسمانی در موارد متعددی عمل به قسط و به کارگیری روش منطقی و همراه با استدلال و اخلاق نیک را به پیامبر و مسلمانان در برخورد با دیگران توصیه می‌کرد؛ برای نمونه زمانی که خداوند در آیات نخستین سوره ممتحنه از مؤمنان می‌خواهد که دشمنان خداوند و خودشان را دوست نگیرند و به آن‌ها اظهار محبت نکنند در حالی که آن‌ها به حق کافر شدند و رسول خدا و مسلمانان را از دیارشان بیرون کردند، در آیات بعدی اعلام می‌دارد:

لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (ممتحنه (۶۰): ۸).

خدا شما را از کسانی که در کار دین با شما جنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند، باز نمی‌دارد که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید؛ زیرا خدا دادگران را دوست می‌دارد.

إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (ممتحنه (۶۰): ۹)

فقط خدا شما را از دوستی با کسانی باز می‌دارد که در کار دین با شما جنگیده و شما را از خانه‌هایتان بیرون رانده و در بیرون راندنتان با یک‌دیگر همپشتی کرده‌اند. و هر کس آنان را به دوستی گیرد، آنان همان ستمگرانند.

دستور به به‌کارگیری حکمت و موعظه حسنه و جدال نیک و قول حسن در گفت‌وگو با مخالفان خود حاکی بر نوعی روش تعاملی منطقی و صحیح و مناسب با آن‌ها مبتنی است.

ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ (نحل (۱۶): ۱۲۵).
وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ (عنکبوت (۲۹): ۴۶).
وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ (اسراء (۱۷): ۵۳).
وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا (بقره (۲): ۸۳).

قرآن همچنین متقابلاً از مخالفان می‌خواست تا در برخورد با رسول خدا ﷺ و پیام

آسمانی او، روش منطقی همراه با تفکر و اندیشیدن را پیش گیرند و بدون دلیل با آیات الاهی مجادله نکنید (غافر: ۳۵، ۵۶).

بر اساس این دستورها، پیامبر خدا ﷺ می‌کوشید از طریق گفت‌وگو و مباحثه و مناظره به اشاعه آیین اسلام بپردازد. این روش حضرت حتی زمانی صورت می‌گرفت که مخالفان وی از در دشمنی با او برمی‌آمدند.

از امام حسن عسکری علیه السلام نقل است که فرمود:

از پدرم علی بن محمد پرسیدم: آیا پیامبر با یهودیان و مشرکان زمانی که با او دشمنی می‌ورزیدند مناظره می‌کرد؟ فرمود: آری مکرر و بسیار (طباطبایی، ۱۳۸۵: ص ۱۱۱؛ همچنین رک: طبرسی، ۴۱۶ق: ج ۱، ص ۴۷).

در منابع دینی و تاریخی موارد فراوان و متعددی از گفتگوهای پیامبر اسلام ﷺ با مخالفان همچون یهودیان، مسیحیان، دهریه، مانویان، مشرکان و غیره نقل شده است (رک: طبرسی، همان: ص ۲۵-۱۱۴). در سراسر دوران سیزده ساله مکی به‌رغم انواع گوناگون سخت‌گیری‌ها و فشارها از سوی مخالفان بر پیامبر همچون تمسخر استهزا، تهدید، منزوی ساختن، اتهام به شاعر بودن و جنون و سرانجام توطئه قتل پیامبر ﷺ و شکنجه بسیاری از مسلمانان، هیچ‌گونه حرکت تند و از حضرت و پیروانش در مقابل مخالفان و مشرکان گزارش نشده است و آن بزرگوار همواره با صبر و مدارا و سرانجام شیوه مهاجرت به تعامل متقابل پرداخته است. سیره تعاملی حضرت در دوران مدنی با توجه به حاکم و صاحب قدرت بودن وی آن مقطع، در صفحات بعدی بررسی خواهد شد.

عوامل موثر بر تعامل پیروان ادیان

اکنون می‌کوشیم به دنبال طرح مباحث گذشته به پرسش اصلی این نوشتار پاسخ دهیم که تعامل پیروان ادیان در طول تاریخ بر پایه چه علل و عواملی استوار بوده است؟ در پاسخ به این سوال می‌توان عوامل چندی را بررسی کرد:

۱. نظام‌ها و حاکمیت‌های سیاسی و تعامل پیروان ادیان در قلمرو آن‌ها

با چشم پوشی از دوران مدرن و عصر جدید که به ظاهر، بیشتر دوران ظهور دولت‌های غیر مذهبی و بنوعی لائیک است، در طول تاریخ بشری دولت‌ها و حاکمیت‌ها به‌طور

عمده وجهه‌ای دینی و مذهبی داشته‌اند. این وجهه یا برگرفته از اعتقاد راستین رهبران آنان به آیین و مذهبی خاص بود یا از سربره‌گیری و کسب مشروعیت از آیین ویژه‌ای بر می‌خاست. در هر صورت، در طول تاریخ، شاهد شکل‌گیری حاکمیت‌های دینی و مذهبی متعددی هستیم که خود را حامی آیین یا مذهب و فرقه خاصی قلمداد می‌کردند. گذشته از تاثیر اساسی کلیه نظام‌های سیاسی، نوع سیاست مذهبی و مدیریت دینی این‌گونه حاکمیت‌های دینی، از عوامل بسیار موثر بر نحوه تعامل پیروان ادیان در طول تاریخ بوده است. در واقع می‌توان گفت که تعامل پیروان ادیان در گذشته تاریخی همواره تابعی از این متغیر یعنی سیاست مذهبی حاکمیت‌های دینی بوده یا دست‌کم این عامل به‌صورت متغیر اصلی در آن، نقش ایفا کرده است.

نوع سیاست مذهبی حاکمیت‌های دینی نیز در جای خود به میزان بسیاری به وضعیت قدرت آن نظام سیاسی، شکل روابط آن با دیگر نظام‌ها و همچنین اندیشه و منش رهبران و رجال سیاسی‌اش وابسته بوده است. چه بسیار رهبرانی سیاسی که با اتخاذ روش‌های نادرست و گاه همراه با احساسات، آتش جنگ‌های بزرگی را بین پیروان ادیان رقم زده‌اند و چه رهبران سیاسی که با به‌کارگیری راه‌های منطقی و عقلانی توانسته‌اند، تعامل صحیح و درستی را بین پیروان آیین‌ها برقرار سازند.

نمونه برجسته‌ای از مدیریت مذهبی مناسب در برخورد با پیروان دیگر ادیان به‌وسیله حکومت‌ها را می‌توان در بر خورد پیامبر اسلام هنگام حاکمیت در مدینه با طرفداران دیگر آیین‌ها ملاحظه کرد. رسول خدا ﷺ در سال‌های نخستین هجرت طبق یک قرارداد که از آن با عنوان قانون اساسی مدینه یاد می‌شود، حقوق گسترده‌ای را برای یهودیان ساکن در آن شهر در نظر گرفت.

بی‌تردید اگر پیمان شکنی یهودیان و همکاری آن‌ها با مشرکان مکه صورت نمی‌گرفت، حضرت تا پایان عمر بر اساس همان قرارداد با آن‌ها برخورد می‌کرد (رک: حمیدالله، نامه‌ها و پیمان‌های سیاسی حضرت محمد و اسناد صدر اسلام، ۱۳۷۴: ص ۱۰۱ و ۱۰۲؛ اولین قانون اساسی مکتوب در جهان، بی‌تا: ص ۶۵-۶۹)؛ برای نمونه در یکی از بندهای این اساس نامه آمده است:

یهودیان با مؤمنان در حکم یک امت شناخته می‌شوند با این تفاوت که یهود مطابق دستور دین خود عمل می‌کنند و مسلمانان مطابق اوامر دین خود. موالی (هم پیمانان) یهود

در حکم خود یهودند (همان).

امام علی علیه السلام نیز در دوره کوتاه مدت حکومت خود، سیاست استواری را در تعامل با پیروان ادیان اجرا کرد که الگوی مهمی از تعامل اسلامی است. نمونه‌های چندی از سیره تعاملی حضرت در منابع حدیثی و تاریخی نقل شده است. امام در جایی از عهدنامه مشهور خود به مالک اشتر چنین نوشت:

مهربانی به رعیت و دوست داشتن آن‌ها و لطف در حق ایشان را شعار دل خود ساز ...؛ زیرا آنان دو گروهند: یا هم‌کیشان تو هستند یا همانندان تو در آفرینش (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

حضرت همچنین در جایی فرمود:

من آدی ذمیاً فقد آذانی (ابن ابی الحدید، ۱۹۶۳م: ج ۱۷، ص ۱۴۷).

افزون بر این‌ها، پرداخت حقوق بازنشستگی مرد کهن سال و از کار افتاده مسیحی از بیت‌المال (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۹). اظهار تأسف شدید از شنیدن خبر ستم سپاهیان معاویه به زنی از اهل ذمه (نهج البلاغه، خطبه ۲۷). اعتراض به خلیفه دوم در مورد این‌که چرا در داوری بین حضرت و یهودی، مراعات عدالت را نکرده و فقط امام را با کنیه صدا زده است و ده‌ها مورد دیگر، همه حاکی از روش صحیح و منطقی و عادلانه وی در تعامل با پیروان دیگر ادیان است.

در تاریخ ایران باستان نیز کوروش هخامنشی که برخی از مفسران او را ذوالقرنین دانسته‌اند، بنابر آنچه به او نسبت داده‌اند، تعامل مناسبی را در تعامل با پیروان ادیان گوناگون به‌کار گرفت. وی پس از فتح بابل و در نخستین سالی که بر آن‌جا مستقر شد، افزون بر احترام به اعتقادات بابلیان به ویژه خدای مردوک، فرمانی مبنی بر آزادی یهودیان از اسارت و بازگشت به موطن و تجدید بنای معبد خود در بیت‌المقدس انتشار داد. در پی این دستور در سال ۵۳۷ قبل از میلاد بیش از چهل هزار یهودی، بابل را به قصد سرزمین خود ترک کردند؛ در حالی که یکی از کارگزاران بلند مرتبه پارسی همراه آنان در حرکت بود و از آن‌ها مواظبت می‌کرد. این رفتار کوروش سبب شد تا یهودیان از او به عنوان منجی یاد کنند (گیرشمن، ۱۳۶۶ش: ص ۴۰ و ۱۴۱).

در دوره ساسانیان نیز تسامح یزدگرد اول ساسانی در تعامل با پیروان ادیان دیگر به‌ویژه مسیحیان هرچند همانند اقدام‌های کوروش به دور از ملاحظات سیاسی نبوده با وجود این، بی‌ارتباط با طبع تسامح جویانه او در امور دینانی نیز نیست (کریستن سن، همان: ص ۲۹۵).

کنار این رهبران سیاسی، حاکمان دیگری را می‌شناسیم که بر عکس اینان همواره سیاستی تند و رویکردی همراه با عدم تسامح را در برابر پیروان ادیان گوناگون داشته‌اند. گاه نیز این گروه از رهبران با سیاست‌های نادرست خود، زمینه جنگ‌ها و کشمکش‌های گسترده و طولانی را فراهم آورده‌اند؛ البته همان‌گونه که اتخاذ سیاست تسامح وسیله برخی حاکمان به دور از ملاحظات حکومتی و منافع سیاسی نبوده، اتخاذ این‌گونه روش‌های خشن هم با توجه‌های پیشین صورت می‌گرفته است؛ برای نمونه، سیاست مذهبی ساسانیان در برابر مسیحیان زمانی که امپراتوری روم به مسیحیت گرایید، تغییر اساسی یافت.

تا زمانی که دولت امپراتوری روم دیانت رسمی نداشت، عیسویان ایرانی در آرامش می‌زیستند؛ اما چون قسطنطنین امپراتور روم به عیسویت گروید، وضع تغییر کرد. عیسویان ایرانی که به‌ویژه در نواحی مجاور سرحد روم بسیار بودند، مجذوب و فریفته دولت مقتدری شدند که همکیش آنان بود (همان: ص ۲۹۱).

گرایش امپراتوری روم به مسیحیت، زنگ خطری برای ساسانیان بود. شاهپور دوم که در همین زمان اداره دولت ساسانی را بر عهده داشت، در دستوری که جهت سخت‌گیری بر مسیحیان صادر کرد، آورد که آنان در مملکت ما زندگی می‌کنند؛ اما دوستدار دشمن ما قیصر هستند.

بر اساس آنچه گذشت می‌توان گفت که حاکمیت‌ها و نظام‌های سیاسی، و رهبران آن‌ها نقش بسیار برجسته‌ای را در چگونگی تعامل بین پیروان ادیان دارند. آنان می‌توانند از یک سو با دامن زدن به اختلاف‌های فرقه‌ای آتش کشمکش و نزاع را بین طرفداران آیین‌ها شعله‌ور سازند و از سوی دیگر با اتخاذ سیاست صحیح حتی نزاع‌های پیشین را کاهش داده، زمینه سالمی را برای تعامل درست و منطقی بین پیروان ادیان فراهم آورند.

ب. قدرت‌های سلطه جو و تعامل پیروان ادیان

گذشته از تاثیرهای گسترده‌ای که قدرت‌های سیاسی، درون قلمرو خویش بر مناسبات پیروان ادیان بر جای می‌گذارند، گاه برخی قدرت‌ها می‌کوشند در مناطق خارج از قلمرو خود نیز در این زمینه اعمال سیاست کنند. بی‌تردید این مساله نیز همانند سیاست داخلی در جهت اهداف و منافع سیاسی خاصی صورت می‌گیرد. نمونه روشن این رفتار را می‌توان در عملکرد دولت‌های استعمارگر در مناطق تحت نفوذ شان ملاحظه کرد. نظر به وجود

اقلیت‌های دینی در بسیاری از کشورها و مناطق، قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای همواره می‌کوشند در جهت اعمال سلطه خویش و تضعیف دیگر کشورها به آتش اختلافات فرقه‌ای در آن کشورها دامن بزنند و آن را شعله ور سازند؛ برای نمونه، دولت انگلستان در سال‌های حضورش در هندوستان همواره از این حربه استفاده می‌کرد. جریان مسجد بابری نمونه آشکار این دخالت است. در سال ۱۸۵۵ میلادی یک صاحب منصب انگلیسی که مسئولیت آمارگیری و بررسی‌های جمعیتی را بر عهده داشت، در باره این مسجد که حدود ۳۳۰ سال پیش از آن ظهیرالدین بابر به میمنت پیروزی او در فتح هند در شهر فیض آباد ایالت اوتارپرادش ساخته بود، ادعا کرد در محل معبد هندویی ساخته شده که بابر آن را ویران کرده و این معبد محل تولد رام از خدایان معتبر هندویی است.

این اظهار نظر باعث بسته شدن نطفه اختلاف جدید و عمیقی بین هندوها و مسلمانان شد و بحران سیاسی اجتماعی بزرگی را در هند پدید آورد (شیخ عطار، ۱۳۸۱: ص ۶۲۰). دولت انگلستان در سرزمین‌های اسلامی نیز همواره جهت حفظ و گسترش سلطه خود به تحریک مذاهب و فرقه‌های اسلامی ضد یک‌دیگر اقدام کرده است. امروزه نیز تعامل پیروان ادیان در مناطق اشغال شده و تحت سلطه‌ای چون عراق و افغانستان و غیره به شدت تحت تاثیر سیاست و عملکرد قدرت‌های اشغالگر قرار دارد.

ج. گفتمان‌های غالب فرهنگی - مذهبی و تعامل

نوع نگرش کلان به فرهنگ، اندیشه و مذهب یا به عبارتی، پیروان ادیان گفتمان‌های غالب فرهنگی نیز از عوامل مهم و موثر بر تنظیم شکل تعامل پیروان ادیان است. این گفتمان‌ها چه در سطح جهانی و چه در سطح منطقه‌ای و سرزمینی خاص می‌توانند متغیری مهم در این زمینه به شمار آیند؛ برای نمونه، در عصر مامون عباسی با توجه به حمایت خلیفه از معتزله و رواج نوعی عقل‌گرایی و نهضت ترجمه و نظایر آن تا حدودی نزاع‌های شدید بین حامیان فرقه‌ها و ادیان، جای خود را به مباحثه و گفت‌وگو داد و خلیفه خود نیز در بعضی از این جلسات شرکت می‌کرد، هر چند این قضیه به معنای آزادی کامل جریان‌ها و فرقه‌های گوناگون نبود. در اسلام همان‌گونه که پیش از این گذشت، سابقه مباحثه و گفت‌وگو بین ادیان در آموزه‌های قرآن کریم و سیره پیامبر ﷺ و امامان معصومین علیهم‌السلام ریشه دارد؛ بدین جهت امام رضا علیه‌السلام در همین دوره مامون مباحثه‌های

گونگونگی را با پیروان ادیان و فرق داشته که در منابع تاریخی و کلامی انعکاس یافته است (ابن بابویه، ۱۳۷۲: ص ۳۱۳-۳۶۱).

در دوره معتصم نیز حمایت از معتزله ادامه یافت؛ اما با روی کار آمدن متوکل عباسی گفتمان پیشین کنار رفت و غلبه از آن اهل حدیث شد.

وقتی خلافت به متوکل رسید، بحث و جدل و مناظره را که در ایام معتصم و واثق و مامون میان مردم معمول بود، ممنوع داشت و کسانی را به تسلیم و تقلید وا داشت و بزرگان محدثین را گفت تا حدیث گویند و مذهب سنت و جماعت را رواج دهند (مسعودی، ۱۳۷۴: ج ۲: ص ۴۹۶).

این عامل خود بر مناسبات پیروان ادیان در دوره پیشین آثار فراوانی را برجای نهاد. متوکل که خود تحت تاثیر گفتمان غالب روزگار خویش بود، سیاست ویژه‌ای را در برابر پیروان ادیان و فرق در پیش گرفت. به دستور او، مقبره امام حسین علیه السلام در کربلا تخریب، و زمین‌های اطراف آن شخم زده شد و بر روی آن‌ها زراعت انجام گرفت (طبری، بی تا: ج ۷: ص ۳۶۵).

متوکل در سال ۲۳۵ قمری اهل ذمه را امر کرد تا فوطه‌های عسلی بپوشند و استرها و خرها را با رکاب‌های چوبی و زین‌های گوی دار سوار شوند و بر اسب‌ها و یابوها سوار نشوند و بر درهای خانه‌های خود چوب‌هایی قرار دهند که بیکر شیاطین در آن‌ها باشد (یعقوبی، ۱۳۶۲: ج ۲: ص ۵۱۵).

بنا بر نوشته همین مورخ، متوکل همچنین دستور داد تا در هیچ یک از کارهای دولتی از احدی از اهل ذمه کمک نگیرند و کنشت‌ها و کلیساهای تازه ویران و از عمارت ساختن ممنوع شوند (همان: ص ۵۱۶).

در سال‌ها و قرون پس از متوکل نیز تعامل مسلمانان با خود و دیگران همواره تابع این نگرش‌ها و گفتمان‌ها بوده است. گفتمان‌های غالب در اروپا در قرون وسطا، جدید، معاصر و عصر پست مدرنیسم آثار خاص خود را بر تعامل پیروان ادیان در آن منطقه و حتی دیگر نقاط جهان داشته است.

د. نگرش و عملکرد رهبران، روحانیان و رجال دینی

نوع نگرش و فهم و عملکرد روحانیان و رجال دینی به آیین و فرقه خود و اعتقادات

مخالفان آنها نیز تاثیر بسیار مهمی بر شکل تعامل پیروان ادیان و فرقه‌های دارد. چگونگی برداشت، تفسیر و تبلیغی که رهبران دینی از آیین خود و همچنین دیگر آیین‌ها دارند و آن را برای پیروان خود ارائه می‌دهند می‌تواند تاثیر بس مهمی را در مناسبات بین پیروان آنها و حامیان سایر ادیان و فرقه‌های ایفا کند. چگونگی تبیین و وصفی که این رهبران مذهبی با دیگران صورت می‌دهند و نوع واژه‌ها و ادبیاتی چون مشرک، زندیق، کافر، و یا جاهل، مستضعف، گمراه که از طرف آنها برای مخالفانشان به کار می‌رود و همچنین نوع حکم دینی مانند مهدورالدم، واجب القتل و غیره که برای دیگران صادر می‌شود، در مناسبات پیروان آنها با دیگران بی‌تردید تاثیر بسیار برجسته‌ای را خواهد داشت.

چه بسیار آرا و فتاوی‌یی که در طول تاریخ از طرف روحانیان آیین و فرقه‌ای ضد سایر فرقه‌ها و مذاهب صادر شده و کینه‌های عمیقی را در دل پیروان آیین‌ها به یک‌دیگر بر جای نهاده و در موارد متعددی باعث درگیری‌ها و قتل هزاران نفر شده است؛ برای نمونه اظهار نظرهای بعضی از پاپ‌ها و روحانیان مسیحی، در شکل‌گیری و دامن زدن به جنگ‌های صلیبی تاثیر فراوانی داشته است. همچنین برخی از جنگ‌های بلندمدت دولت عثمانی ضد صفویه، برخاسته از فتاوی‌ای تندی بود که از طرف برخی عالمان اهل سنت، ضد شیعیان صادر می‌شد؛ البته در این جنگ‌ها نقش نظام‌های سیاسی و حتی دست پنهان قدرت‌های بیگانه اروپایی را نیز نباید نادیده گرفت.

خوشبختانه در تاریخ معاصر و با درایت و تیز بینی و روشن‌نگری جمعی از عالمان مسلمان شیعه و سنی زمینه ایجاد بسیاری از این‌گونه نزاع‌های مذهبی بین مسلمانان از بین رفته یا کاهش یافته است. در این زمینه، نگرش برجسته و روشن آیت‌الله بروجردی و همچنین برخی از عالمان الازهر همچون شیخ شلتوت در بنیان‌گذاری دارالتقرب مذاهب اسلامی بسیار تحسین برانگیز است. به دنبال همین روشن بینی‌ها شیخ محمود شلتوت با صدور فتاوی‌ تاریخی و بی‌سابقه خود در مورد جواز پیروی از مذهب شیعه امامیه قدم بسیار بزرگی در راه تقریب و کنار نهادن تعصبات غلط برداشت.

در مقابل نیز آیت‌الله بروجردی آنچنان به امر وحدت و همبستگی اهتمام داشت که حتی در واپسین لحظات عمر و در بستر بیماری نیز به آن می‌اندیشید و اظهار می‌داشت: تقریب کار بسیار بزرگی است و من در این راه آرزوها داشتم.

رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی علیه السلام نیز با بهره مند بودن از همان تیزی بینی و ذکاوت، همواره مدافع وحدت همه مسلمانان و کنارنهادن تعصب‌ها و نزاع‌های نادرست بودند.

ه. اصول اساسی، اعتقادات و آداب آیین یا فرقه

گذشته از نوع نگرش و تفسیر و تبلیغ روحانیان، اصول اساسی، اعتقادات و آداب و رسوم فرقه یا آیین نیز تاثیر مهمی در تعامل آنان با دیگران دارد. در دین اسلام با توجه به اعتقادهایی که درباره حقانیت دیگر پیامبران الهی وجود دارد، پیروان آنان را اهل کتاب شمرده، مسلمانان را به داشتن تعامل صحیحی با آنان توصیه می‌کند. قرآن کریم ضمن بیان تاریخ برخی از انبیا، همه آنان را دعوت کنندگان به خدای واحد می‌داند که در موقعیت‌ها و زمان‌های گوناگونی از طرف خداوند، مامور هدایت و راهنمایی انسان‌ها بوده‌اند. این نحوه نگرش به سایر پیامبران در قرآن می‌تواند زمینه تعامل صحیحی را از طرف مسلمانان با پیروان آنان فراهم آورد؛ اما بر عکس، پاره‌ای از اعتقادات موجود در سایر ادیان، نتیجه‌ای جز دامن زدن به خصومت و جنگ پیروان ادیان در پی ندارد. بین فرقه‌های منشعب از ادیان نیز چنین وضعیتی وجود دارد؛ برای نمونه، تعصب‌های شدید پاره‌ای از فرقه‌های اهل سنت درباره دیگران اعم از سایر اهل سنت یا شیعیان، خصومت‌های گسترده‌ای را در طول تاریخ دامن زده است. برخی از دیگر فرقه‌های اسلامی همچون خوارج و به ویژه فرقه ازارقه آنان نیز با توجه به پاره‌ای از اعتقادات تعصب‌آلود و نادرست همانند جواز کشتن اطفال و زنان مخالفان و کلیه کسانی که در شورش‌های آن‌ها شرکت نمی‌کردند و به اردوگاه‌های نظامی آن‌ها ملحق نمی‌شدند، همواره در ستیز با دیگر مسلمانان به سر برده‌اند (رک: مادلونگ، ۱۳۷۷: ص ۹۷).

کنار این اعتقادات و اصول، برخی آداب و رسوم‌های متعلق به یک آیین یا فرقه نیز می‌تواند زمینه ستیز و کشمکش آنان را با دیگران فراهم آورد. نوع و شکل تبلیغات مذهبی و حتی ادبیات به‌کار گرفته در آن نیز اگر از سر تعصب غلط یا ناآگاهی شکل گرفته باشد می‌تواند در به‌هم زدن تعامل صحیح پیروان آن آیین یا مذهب و فرقه با دیگران و ایجاد زمینه خصومت و درگیری تاثیر داشته باشد.

و. تعصبات قومی و نژادی

گذشته از عوامل پیشین، تعصبات قومی و نژادی نیز که بین پیروان ادیان و مذاهب

وجود داشته، در موارد بسیاری، زمینه تعامل درست آنان را با دیگران از بین برده است. در تاریخ صدر اسلام، تعصب‌های شدید عربی برخی از مسلمانان در مقابل دیگر مسلمین غیر عرب و برتری جویی‌های آنان، در ایجاد بسیاری از درگیری‌ها موثر بوده است. در آن زمان، تعدادی از عرب‌ها با توجه به عرب بودن پیامبر اسلام ﷺ و همچنین نزول قرآن کریم به زبان عربی و این‌که آنان سبب گسترش آیین اسلام بین سایر ملل شده‌اند، بر این اندیشه بودند که از دیگران برترند. خوشبختانه آموزه‌های قرآن کریم و سیره پیامبر خدا ﷺ در نقطه مقابل این تعصب‌های نادرست و کور قرار داشت؛ با وجود این، دامن زدن پاره‌ای از اعراب همچون حاکمان اموی به این تعصب‌ها زمینه شکل‌گیری جریان‌های دیگری همچون شعوبیه را بین دیگر مسلمانان فراهم آورد. «در اثر تسلط امویان و سیاست ضد اسلامی آن‌ها، عده‌ای از اعراب، عنصر عربیت را پیش کشیدند و آتش تعصبات قومی و نژادی را بر افروختند سایر اقوام مسلمانان به‌ویژه بعضی از ایرانیان به مبارزه با آن‌ها برخاستند و شعار این دسته، آیه ذیل بود:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (حجرات (۴۹): ۱۳).

ای مردم! ما شما را از مرد و زنی آفریدیم، و شما را ملت‌ها و قبیله‌ها کردیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شما است. بی تردید، خداوند دانای آگاه است.

آنان خود را اهل تسویه یعنی طرفدار مساوات می‌نامیدند و نیز به مناسبت کلمه شعوباً که در آیه مزبور آمده است، خود را شعوبی می‌خواندند» (مطهری، ص ۵۴).

امروزه نیز یهودیان صهیونیست و غیره با طرح چنین ادعاهای غلط و بی پایه و اساس برتری نژادی و قومی، زمینه بروز تعامل‌های خشن و ناگواری را بین خود و پیروان دیگر ادیان بزرگ رقم می‌زنند.

نتیجه گیری

هر چند بر پیام‌های اصلی پیامبران الهی وحدانیتی حاکم بوده است، طرفداران آن‌ها نه تنها هم‌گرا نشدند، بلکه در طول تاریخ اختلاف‌های گسترده‌ای داشتند. این گوناگونی و اختلاف، به دنبال خود، تعامل نادرستی را بین پیروان ادیان و مذاهب شکل داده است؛ به گونه‌ای که نتایج و آثار منفی ناشی از این معضل بشری، کمتر از نتایج عواملی چون فقر، جهل، بیماری، استبداد و غیره نبوده است.

در قرن سوم تا هفتم میلادی، به علت وجود دو دولت برجسته ساسانی زرتشتی و روم مسیحی، شاهد نزاع‌های گسترده آنان با یک‌دیگر ضد اتباع هم بوده‌ایم. با ظهور اسلام در عربستان نیز به‌رغم سیره تعاملی صحیح رسول خدا ﷺ تعامل پیروان دیگر ادیان با ایشان تعاملی منطقی نبوده است. در بررسی عوامل موثر بر شکل تعامل بین پیروان ادیان می‌توان گفت که قدرت‌های سیاسی، گفتمان‌های غالب فرهنگی، رهبران و روحانیان دینی، اصول اساسی اعتقادات آیین و سرانجام، تعصب‌های قومی و نژادی از جمله مهم‌ترین این عوامل به شمار می‌آیند. بدان امید که در آینده، جوامع انسانی بتوانند کنار حل دیگر مسائل خود، در این زمینه نیز با توجه به این‌گونه بررسی‌ها و آسیب‌شناسی‌ها به تعاملی درست و منطقی دست یابند.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه، عبدالمحمد آیتی، تهران، بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۷۶ ش.
۳. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۹۶۳ م.
۴. ابن بابویه (شیخ صدوق)، عیون اخبار الرضا، علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق، ۱۳۷۲ ش.
۵. ابن هشام، السیره النبویه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۵ م.

۶. آیتی، محمد ابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام، به کوشش ابوالقاسم گرچی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ش.
۷. ناس، جان بی، تاریخ جامع ادیان، علی اصغر حکمت، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، هفتم، ۱۳۷۳ش.
۸. حمید الله، محمد، اولین قانون اساسی مکتوب در جهان، سید غلامرضا سعیدی، تهران، انتشارات بعثت، بی تا.
۹. _____، نامه‌ها و پیمان‌های سیاسی حضرت محمد و اسناد صدر اسلام، سید محمد حسینی، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۴ش.
۱۰. شیخ عطار، علیرضا، دین و سیاست (مورد هند)، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۱ش.
۱۱. طباطبایی، سید محمد حسین، سنن النبی، عباس عزیزی، قم، انتشارات صلوة، دهم، ۱۳۸۵ش.
۱۲. طبرسی، الاحتجاج، دارالاسوه للطباعة و النشر، ج ۱، الثانية، ۱۴۱۶ق.
۱۳. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، تاریخ الامم والملوک، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.
۱۴. عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت للاحياء التراث، دوم، ۱۴۱۴ق.
۱۵. کریستن سن، آرتور، ایران در زمان ساسانیان، رشید یاسمی، تهران، ابن سینا، ۱۳۴۵ش.
۱۶. گیرشمن، رومن، ایران از آغاز تا اسلام، محمد معین، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ششم، ۱۳۶۶ش.
۱۷. مادلونگ، فرقه‌های اسلامی، ابوالقاسم سری، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷ش.
۱۸. مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، مروج الذهب، ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، پنجم، ۱۳۷۴ش.
۱۹. مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲ش.
۲۰. یعقوبی، ابن واضح، تاریخ یعقوبی، محمد ابراهیم آیتی، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۲، سوم، ۱۳۶۲ش.